

تعیین نقش واسطه‌ای مهارت ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و

دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۵/۲۰

محبوبه زارع باغبیدی^۱

اعظم اعتمادی فرد^{۲*}

چکیده

مقدمه: امروزه با توجه به زیاد شدن آمار زوجین متقاضی طلاق و آثار نامطلوب آن بر جامعه و اجتماع بشری بررسی عوامل مؤثر بر دلزدگی زناشویی بسیار مورد توجه محققان قرار گرفته است. دلزدگی زناشویی وضعیت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که در شدیدترین حالت آن به طلاق منتهی می‌شود. در همین راستا، این پژوهش با هدف تعیین نقش واسطه‌ای مهارت ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق در شهر یزد انجام شد.

روش: روش پژوهش توصیفی-همبستگی بود. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی زوجین متقاضی طلاق در شهر یزد بودند که از بین زوجین مراجعه کننده به دادگاه خانواده و مراکز مشاوره به روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۱۸۰ نفر از این زوجین به عنوان نمونه‌ی پژوهش انتخاب شدند برای سنجش متغیرهای پژوهش پرسشنامه دلزدگی زناشویی (*BMC*) پاینز (۱۹۹۶)، پرسشنامه تجدید نظر شده‌ی مهارت‌های ارتباطی جرابک (۲۰۰۴) و مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (*FTAS-20*) استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین ناگویی هیجانی و مهارت‌های ارتباطی با دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این تحقیق، شناخت و کسب مهارت‌های ارتباطی توسط زوجین، با توجه به رابطه‌ی معنا دار ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی می‌تواند نقش واسطه‌ای مؤثری در کاهش نقضای طلاق داشته باشد.

کلمات کلیدی: مهارت ارتباطی، ناگویی هیجانی، دلزدگی زناشویی، نقش واسطه‌ای.

۱- دانش آموخته گروه روان‌شناسی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

۲- استادیار گروه معارف اسلامی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

* نویسنده مسئول: etemadifard@iauyazd.ac.ir

Determining the Mediating Role of Communication Skills in the Relationship between alexithymia and marital burnout of divorce client Couples in Yazd

***Mahbobeh zare baghbidi¹
Azam etemadifard^{2*}***

Abstract

Introduction: Considering the increasing number of divorce client couples, investigating factors affecting marital burnout has received much attention from researchers. Marital burnout is a painful state of physical, emotional, and emotional exhaustion that results in divorce in its most severe form. The purpose of this research was to determine the Mediating role of communication skills in the relationship between alexithymia and marital burnout of divorce client couples in Yazd.

Method: The research method was descriptive – correlation and the population of research include all divorce client couples in Yazd that a sample of 180 divorce client couples was selected via in reachable sampling method. The research instruments were: Pains (1996) burnout couple measurement, Jerabeck (2004) Interpersonal communication skills questionnaire and general self-efficacy scale, and Toronto alexithymia scale (FTAS-20). Pearson correlation coefficient and path analysis used for data analysis.

Results: Results showed the significant relation between alexithymia, communication skills, and marital burnout of divorce client couples ($p < 0/05$).

Conclusion: Based on the finding of this research, couples' recognition and gaining of communication skills, given the significant relationship between alexithymia and marital burnout, can play an effective mediating role in reducing divorce.

Keywords: alexithymia, Communication Skills, marital burnout, the mediating role

۱. Department of Psychology, Islamic azad univercity, meybod branch, yazd, iran

۲. Department of Islamic maaref, Islamic Azad University, Yazd Branch, Yazd, Iran

* Corresponding Author: etemadifard@iauyazd.ac.ir

مقدمه

ازدواج موفق سرچشمه و اساس یک ارتباط سالم فردی و اجتماعی است (سجادی و روشن، ۱۳۹۴). ازدواج و تشکیل خانواده تاثیر شگرفی بر رشد و تعالی شخصیت انسان و بالندگی جامعه دارد تا جایی که پیامبر اکرم (ص) دراهمیت ازدواج می‌فرماید: "هیچ بنایی در اسلام نزد خداوند محبوب تر از ازدواج نیست" (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰). قرآن هدف و فلسفه ازدواج را آرامش، مودت و مهربانی می‌داند و از آیات الهی است که از جنس خودتان همسرانی برایتان آفرید تا با ایشان آرامش یابید و در میان شما مودت و مهربانی قرار داد" (سوره روم، آیه ۹۰). در اسلام به روابط سالم همسران در خانواده تاکید زیادی شده است (علیزاده فرد و خوش منش، ۱۳۹۶). اما روابط خانوادگی و تعاملات بین زن و شوهر در جامعه جدید دچار چالش‌های جدی شده است. شواهد وجود این واقعیت را می‌توان در افزایش پرونده‌های طلاق مشاهده کرد. این تغییرات خاص جامعه ایران نیست و اغلب جوامع معاصر را در نوردیده است. (افراسیابی و دهقانی دارامرود، ۱۳۹۵). تقریباً همهی زوجینی که ازدواج می‌کنند، در ابتدای رابطه سطح بالای رضایت را گزارش می‌کنند (مارکمن و هالوی، ۲۰۱۳). رضایت از زندگی افراد متأهل تابع احساسات عینی از خشنودی، تعادل روانی و لذت تجربه شده توسط زن یا شوهر است (لاونر، کارنی و برادبوری، ۲۰۱۶؛ به نقل از مالمیر وهمکاران، ۱۳۹۸). رضایتمندی زوجیت یک حالت روانی و عاطفی است (لاونر و کلارک، ۲۰۱۷) که باعث می‌شود در اکثر مسائل زندگی از جمله ارتباط با یکدیگر، چگونگی ادامه زندگی، ایده‌ها و تصمیم برای آینده و غیره تا حد زیادی اتفاق نظر داشته باشند (متا، کوهن، شولز و والدینگر، ۲۰۱۵؛ به نقل از رضایی ودشت بزرگی، ۱۳۹۷). زوجین زمانی به وظایف خود عمل می‌کنند که احساس رضایتمندی از زندگی زناشویی خود داشته باشند (چانگ و میکلسون، ۲۰۱۶). شواهد حاکی از آن است که زوج‌ها در جوامع امروزی برای برقراری و حفظ ارتباط صمیمی و درک احساسات از جانب همسرشان به مشکلات فراگیر و متعددی دچارند، بدیهی است که کمبودهای موجود در کفایت‌های عاطفی و هیجانی دو همسر در کنار عوامل متعدد دیگر از قبیل (عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و...) اثرات نامطلوبی بر زندگی اجتماعی آنها می‌گذارد و بطور منطقی هرچه نارضایتی از زندگی مشترک بیشتر باشد، احتمال ناسازگاری و جدایی افزایش می‌یابد (محراییان، ۲۰۰۰).

ازمظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل سازنده میان انسانها، برقرار بودن عشق و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است (موسوی وهمکاران، ۱۳۹۶). از این رو، زوج‌ها باید راه‌های جدید برقراری ارتباط با یکدیگر را فرا گیرند تا بتوانند فرضیه‌های اساسی پیوند دهنده خود و همسرشان را تغییر دهند. زمانی که زوج‌ها در انجام این امر شکست می‌خورند، صمیمیت و تعهد

متقابل گسسته و دلزدگی زناشویی ایجاد می‌شود (سوبرال، تاکسیروا کاستا، ۲۰۱۵؛ به نقل از پناهی و همکاران، ۱۳۹۶).

دلزدگی زناشویی وضعیت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را که توقع دارند عشق رویایی و ازدواج به زندگیشان معنا ببخشد را متأثر می‌سازد. دلزدگی هنگامی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند علی‌رغم تمام تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. عشق به تدریج رنگ می‌بازند و به همراه آن احساس خستگی عمومی عارض می‌شود. در شدیدترین نوع آن، دلزدگی برابر است با فروپاشی رابطه (وان پلت، ۲۰۰۴؛ به نقل از پاینز و نانز، ۲۰۰۳). بر اساس گزارش پژوهش‌های انجام شده یکی از عوامل مهم و مؤثر بر بروز ناسازگاری و دلزدگی زناشویی ناگویی هیجانات و مشکل در تنظیم هیجانات است.

ناگویی هیجانی نوعی نارسایی خلقی است که باعث ناتوانی در پردازش شناختی اطلاعات هیجانی و تنظیم هیجان‌ها می‌شود و این افراد در شناسایی صحیح هیجان‌ها از چهره دیگران مشکل دارند و ظرفیت آنها برای همدردی با دیگران محدود است (سرافینی، گوندا، پومپیلی، ریمر، امور و کارلسون، ۲۰۱۶). این مفهوم به مشکلاتی در زمینه تجربه، کلامی سازی و تنظیم هیجانات اشاره دارد. دشواری در شناسایی احساسات و تمایز بین دریافت‌های حسی بدنی مرتبط با برانگیختگی هیجانی از احساسات، دشواری در توصیف احساسات، فرایند تصویر سازی محدود و سبک شناختی معطوف به بیرون از مهم‌ترین ویژگی‌های ناگویی هیجانی است. این ویژگی‌ها که توسط تیلور و همکاران (۲۰۰۰) توصیف شد، بازتاب نقایص شناختی و هیجانی در این افراد می‌باشد. به این معنا که افراد مبتلا به این سازه به دلیل مشکلات عمده‌ای که در شناسایی، بیان و تنظیم هیجانات خود دارند قادر به برقراری روابط بین فردی مؤثر و کارآمد نیستند و این عامل بخشی از وارپانس مشکلات زناشویی از جمله دلزدگی زناشویی را تبیین می‌کند (لارسون و هولمن، ۲۰۱۴). بنابراین ناگویی هیجانات به صورت مستقیم می‌تواند منجر به دلزدگی زناشویی شود.

ارتباط خوب همسران با یکدیگر آنها را قادر می‌سازد تا نیازها، خواسته‌ها و علایق خود را با سایرین در میان گذارند. عشق، دوستی و محبتشان را نسبت به یکدیگر ابراز کنند و به خوبی از عهده‌ی حل مشکلات و مسایل اجتناب ناپذیر در خانواده برآیند اما مایرال (۲۰۱۵) عنوان می‌کند زندگی اغلب زوج‌ها به دلیل فقدان آگاهی از مهارت‌های ارتباطی و سبک ارتباطی ناسالم به یک رابطه ایستا و بدون صمیمیت تبدیل می‌شود. مهارت‌های ارتباطی از سرمایه‌های اجتماعی است که نقش اساسی در صمیمیت زوجین دارد (تینگ چن و لی، ۲۰۱۷؛ به نقل از اکبری و همکاران، ۱۳۹۷). هنگامی که رابطه‌ی صمیمانه متوقف می‌شود، انرژی عشق به آزرده‌گی و خشم تبدیل می‌شود و در نتیجه، منازعات فراوان، انتقادهای مکرر، پناه بردن به سکوت، عدم همراهی عاطفی و لاینحل ماندن مشکلات را پدید می‌آورد (مینوچین، ۲۰۰۴). وقتی اطلاعات هیجانی نتوانند در فرایند پردازش شناختی، ادراک و ارزشیابی شوند، فرد از نظر عاطفی و شناختی

دچار آشفتگی و درماندگی میشود. این ناتوانی، سازمان عواطف و شناخت‌های فرد را مختل ساخته و رابطه‌ی زوجین را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به دنبال آن دلزدگی زناشویی اتفاق می‌افتد. (گورکین، ۲۰۰۹، به نقل از مطهری و همکاران، ۱۳۹۲). دیوید (۲۰۱۵) معتقد است با تحلیل نوع ارتباط یک زوج می‌توان احتمال به بن بست رسیدن ازدواج و در نهایت طلاق را پیش بینی کرد. بنابراین ناگویی هیجانی از طریق تأثیری که بر روابط بین زوجین دارد نیز می‌تواند منجر به دلزدگی زناشویی شود.

مطالعات مختلف در رابطه با دلزدگی زناشویی و نقش ناگویی هیجانی و مهارت ارتباطی و میزان تاثیر هر یک در داخل و خارج کشور صورت گرفته است که میتوان به مواردی اشاره نمود: بشارت و گنجی (۱۳۹۱) در تحقیقی نشان دادند که ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی همبستگی منفی معناداری دارد و سبک‌های دلبستگی می‌توانند این رابطه را تعدیل کنند و تنها سبک دلبستگی ایمن، توان تعدیل رابطه ناگویی هیجانی در رضایت زناشویی را دارد. بابایی گرمخانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیر واقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق پرداختند و نشان دادند که با افزایش الگوی ارتباطی سازنده متقابل در بین زنان متقاضی طلاق، آن‌ها دلزدگی زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند و با افزایش معیارهای ارتباطی غیر واقعی دلزدگی نیز افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش سجادی و روشن (۱۳۹۴) نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث بهبود نگرش به عشق و کاهش دلزدگی زناشویی در بین زوجین می‌شود. یافته‌های پژوهش کیانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که بین ابراز گری هیجانی و دلزدگی زناشویی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. امیدی فر و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین راهبردهای تنظیم هیجان و دلزدگی زناشویی، راهبردهای تنظیم هیجان و صمیمیت زناشویی و نیز صمیمیت زناشویی و دلزدگی رابطه معنی دار وجود دارد. شعری و افشارنیا (۱۳۹۶) در تحقیق خود نشان دادند که بین الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی ارتباط معناداری وجود دارد. خانواده‌هایی که الگوی ارتباطی آن‌ها به صورت گفت و شنود است، تعاملات آن‌ها بر اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل خانواده به هم تاکید دارد. پناهی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دلزدگی زناشویی و ترس از صمیمیت، رابطه زناشویی زوج‌ها را به شکل گسترده دچار تنش و ناکارآمدی می‌سازد، واز آنجا که مداخله رفتاری- تلفیقی با اصلاح و افزایش تعامل‌ها بین زوج‌ها باعث افزایش رضایت و کاهش تنیدگی می‌شود؛ از این رو توصیه می‌شود از این روش مداخله‌ای به عنوان روش درمانی مؤثر برای کاهش دلزدگی زناشویی و ترس از صمیمیت سود جویند. میری و نجفی (۱۳۹۶) گزارش کردند بین صمیمیت با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار، و بین ناگویی خلقی با رضایت زناشویی رابطه منفی معنادار وجد دارد. شمشیرگران و همائی (۱۳۹۷) در تحقیقی نشان دادند که بین مهارت‌های ارتباطی با دلزدگی زناشویی رابطه منفی و معنادار و بین مولفه توانایی ارسال و دریافت پیام با دلزدگی زناشویی رابطه‌ای وجود ندارد.

جکبسون، والدرسون و مور^۱ (۱۹۸۰) در پژوهش خود با تأکید بر نقش ارتباط منطقی در جلوگیری از بروز دلزدگی زناشویی مشخص کردند که شایع‌ترین مشکلی که زوج‌های ناراضی مطرح می‌کنند عدم موفقیت در برقراری رابطه منطقی می‌باشد. چنانچه اگر همسران نیازهای خود را مطرح نکنند و یا در ارتباط با هم به نیازهای هم پی نبرند و به راه حل مناسب جهت دستیابی به نیازهایشان نرسند، استرس، ناکامی، سرخوردگی، خشم و نهایتاً دلزدگی بروز پیدا می‌کند. کافتسیوس^۲ (۲۰۰۴) با مطالعه‌ای بر روی چهل زوج، آثار دل بستگی و الگوهای همبسته تنظیم هیجان در ارتباطات نزدیک را بررسی کرد. توضیحات چهره‌ای شرکت‌کننده‌ها ضبط می‌شد و هر یک از زوج‌ها در ادامه حالت چهره‌ی شریک زندگی خود را توصیف می‌کردند. نتایج نشان داد که تفاوت‌های پیش‌بینی شده در تنظیم هیجان بین سبک‌های دل بستگی ایمن و نا ایمن، تنها با توجه به عواطف منفی یافت شد. مشاهده‌گران مستقل نیز مردهایی با دل بستگی نا ایمن را در توصیف هیجان‌ها در مقایسه با مردان با دل بستگی ایمن، ناتوان تر یافتند. اولسون (۲۰۱۰) برای مطالعه ناگویی هیجانی و شادکامی با رضایت زناشویی در مدیران شرکت، گروه کوچکی از کارکنان مرد را انتخاب و برنامه خلاصه شده را بر روی آنها اجرا کرد و نشان داد که سبک‌های ابراز هیجان و شادکامی با رضایت زناشویی در مدیران مرد رابطه مستقیم و معناداری دارند. کاروکیوی و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی نشان دادند که بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی رابطه معنادار منفی وجود دارد. اسپرچر و میتس^۳ (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مهارت‌های برقراری ارتباط، تعیین‌کننده‌ی اصلی سازگاری زناشویی و روابط متقابل زناشویی است و بسیاری از مشکلات زناشویی، ناشی از سوتفاهم و ارتباط غیر مؤثر است که نتیجه‌ی آن احساس ناکامی و خشم به خاطر عدم برآورده شدن نیازها و خواسته‌های زن و شوهر در زندگی زناشویی است. لژکو (۲۰۱۶) ضمن پژوهشی دریافت که بین صمیمیت فیزیکی و عاطفی با رضایت زناشویی رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. استرانز و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق خود دریافتند که هر چه مهارت‌های ارتباطی بهتر باشد باعث کمتر شدن تعارضات خانواده می‌شود. پولنیک و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فرایندهای سازگاران زوجین که در رضایت زناشویی تاثیر گذار است عبارتند از: ابراز فعالانه محبت و هیجان‌ات مثبت دیگر و مهارت‌های ارتباطی بالا در مقابل حوادث زندگی.

دستیابی به جامعه سالم در گرو پرورش خانواده‌های سالم است و لازمه این امر رضایتی است که همسران در ازدواج تجربه می‌کنند. افزایش طلاق و ناراضی‌ت زناشویی از یک سو و تقاضای همسران برای پربارسازی روابط زناشویی از سوی دیگر، نشان دهنده‌ی اهمیت و ضرورت انجام پژوهش در این زمینه جهت برنامه ریزی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی آن است. لذا مساله

1. Jacoboson , Walderson & Moor

2. kafsisis

اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا بین دزدگی زناشویی و ناگویی هیجانی با توجه به تعیین نقش واسطه‌ای مهارت‌های ارتباطی در زوجین متقاضی طلاق رابطه‌ای وجود دارد؟

روش

این تحقیق بر اساس روش شناسی تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین متقاضی طلاق در شهر یزد در تابستان ۱۳۹۶ بودند که به علت گسترده بودن و دشواری در دسترسی جامعه از یک سو و فقدان گزارش‌های رسمی در مورد تعداد زوجین متقاضی طلاق (مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و یا دادگاه و زوجین غیر مراجع)، بیان کردن حجم دقیق نمونه پژوهش امکان‌پذیر نبود. نمونه پژوهش نیز با توجه به مشخص نبودن حجم جامعه و بر اساس پژوهش‌های انجام شده گذشته درباره زوجین متقاضی طلاق در استان یزد، شامل ۱۸۰ زن و مرد متقاضی طلاق در استان یزد بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس از بین زوجین متقاضی طلاق در استان یزد که به دادگاه خانواده و یا مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند، انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

(الف) پرسشنامه دزدگی زناشویی: این پرسشنامه از ۲۱‌واژه که نشانگان دزدگی است توسط پاینز در سال ۱۹۹۶ ساخته شده است. این مقیاس دارای سه مولفه خستگی عاطفی، خستگی روانی و خستگی جسمی است. تمام این موارد روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت پاسخ داده می‌شود (۱=هرگز تا ۷=همیشه). این طیف نمره درجه‌ای دزدگی زناشویی فرد را نشان می‌دهد. برای اولین بار در ایران توسط شاداب (۱۳۸۱) ترجمه شده است. خرده مقیاس خستگی جسمی دارای ۶ سوال، خرده مقیاس خستگی روانی دارای ۷ سوال و خرده مقیاس خستگی عاطفی دارای ۸ سوال می‌باشد. پاینز (۱۹۹۶) ضریب پایایی این آزمون با استفاده از روش بازآزمایی، ۰/۸۹ برای یک دوره‌ی یک ماهه، ۰/۷۶ برای دوره‌ی دو ماهه و ۰/۶۶ برای دوره‌ی چهار ماهه بود. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پاینز، ۱۹۹۶، ترجمه شاداب، ۱۳۸۱).

(ب) پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی بین فردی جرابک (JICSQ): در این پژوهش

برای سنجش مهارت‌های ارتباطی زوجین از پرسشنامه تجدید نظر شده مهارت‌های ارتباطی جرابک (۲۰۰۴) استفاده شد. این ابزار یک پرسشنامه‌ی ۳۴ گویه‌ای است که پاسخگو به تکمیل گویه‌های آن بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای می‌پردازد این مقیاس دارای پنج خرده مقیاس شامل، مهارت گوش دادن، تنظیم عواطف، درک پیام، بینش و قاطعیت می‌باشد. برای هر پاسخگو در هر یک از خرده مهارت‌های مذکور نمره جداگانه‌ای محاسبه می‌شود و حاصل جمع نمرات هر فرد

در مجموع ۳۴ گویه، تبیین کننده کل مهارت‌های ارتباطی پاسخگو می‌باشد. شایان ذکر است که برخی از گویه‌ها، به دلیل ماهیت و محتوای آن‌ها، در محاسبه نمره به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. روائی و پایایی این آزمون توسط حسین چاری و فداکار (۱۳۸۴) بررسی شده است. این محققان برای سنجش پایایی آزمون با استفاده از روش آلفای کرونباخ، پایایی کل آزمون را برابر ۰/۶۹ گزارش کرده‌اند که حاکی از همسانی درونی قابل قبول این آزمون می‌باشد؛ و به منظور بررسی روائی سازه‌ای آزمون و نیز ساختار عوامل مهارت‌های ارتباطی، شیوه آماری تحلیل عاملی از نوع تأییدی و به روش مؤلفه‌های اصلی را مورد استفاده قرار داده‌اند و مقدار عددی شاخص *KMO* را برابر با ۰/۷۱ و نیز مقدار عددی شاخص χ^2 در آزمون کرویت بارتلت را برابر ۲۳۱۸/۱ گزارش نموده‌اند که در سطح ۰/۱ معنی دار بوده است. یوسفی (۱۳۸۵) نیز ضمن استفاده از این ابزار، ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن را به ترتیب برابر ۰/۸۱ و ۰/۷۷ گزارش نموده است.

ج) مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو: در این پژوهش به منظور سنجش ناگویی هیجانی از پرسشنامه ناگویی هیجانی تورنتو (*FTAS-20*) استفاده شد. مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو (بگبی، پارکرو تیلور، ۱۹۹۷) یک آزمون ۲۰ سوالی است و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات (شامل ۷ ماده)، دشواری در توصیف احساسات (شامل ۵ ماده) و تفکر عینی (شامل ۸ ماده) را در اندازه‌های ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ (کاملاً مخالف) تا نمره ۵ (کاملاً موافق) می‌سنجد. یک نمره کامل نیز از جمع نمره‌های ۳ زیر مقیاس برای ناگویی هیجانی کلی محاسبه می‌شود. منظور از ناگویی هیجانی نمره‌ای است که آزمودنی از پاسخ به مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو اخذ می‌کند و از ۲۰ تا ۱۰۰ متغیر است؛ نمره‌ی بالاتر به معنای ناگویی هیجانی بیشتر است. در نسخه فارسی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ (بشارت، ۲۰۰۷) ضریب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه زیر مقیاس دشواری در شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ بیان می‌کند که نشانی همسانی درونی خوب مقیاس است. پایایی باز آزمایی مقیاس ناگویی هیجانی تورنتو-۲۰ در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله ۴ هفته از $r=0.80$ تا $r=0.87$ برای ناگویی هیجانی کل و زیر مقیاس‌های مختلف تأیید شد.

یافته‌ها

در ابتدا یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرها شامل میانگین، انحراف استاندارد بیان شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
مهارت‌های ارتباطی	۱۱۴/۷۰	۱۲/۵۱	۴۸	۱۴۳
ناگویی هیجانی	۷۴/۴۱	۱۰/۰۹	۳۴	۹۳
دلزدگی زناشویی	۹۳/۲۷	۸/۶۸	۳۸	۱۳۳

جدول ۱ نشان می‌دهد که میانگین و انحراف استاندارد برای متغیر دلزدگی زناشویی به ترتیب ۹۳/۲۷ و ۸/۶۸، برای ناگویی هیجانی به ترتیب ۷۴/۴۱ و ۱۰/۰۹ و برای مهارت‌های ارتباطی نیز به ترتیب ۱۱۴/۷۰ و ۱۲/۵۱ به دست آمد. برای آزمون فرضیه‌های مستقیم با توجه به فاصله ای بودن مقیاس متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. که نتایج آن ارائه شده است.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین دلزدگی زناشویی، ناگویی هیجانی و مهارت‌های ارتباطی در زوجین

ردیف متغیرها	۱	۲	۳
۱ مهارت‌های ارتباطی	۱		
۲ ناگویی هیجانی	-.۰۶۴**	۱	
۳ دلزدگی زناشویی	-.۰۵۸**	۱۰/۴۱**	۱

<۰/۰۱**

P

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد ضریب همبستگی بین ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق ۰/۴۱ و بین مهارت‌های ارتباطی و دلزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق ۰/۵۸- است. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۵ است بنابراین رابطه خطی بین این متغیرها در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار است. به عبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد هرچه ناگویی هیجانی زوجین متقاضی طلاق بالاتر باشد دلزدگی زناشویی نیز بیشتر می‌شود. همچنین زوجین متقاضی طلاق که مهارت‌های ارتباطی بیشتری دارند، کمتر دچار دلزدگی زناشویی می‌شوند.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی نقش واسطه‌ای (میانجی‌گری) مهارت‌های ارتباطی در رابطه بین ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی از روش تحلیل مسیر استفاده شده است.

جدول ۳. پارامترهای اندازه گیری روابط مستقیم، خطای معیار، نسبت بحرانی و سطح معنی داری

مسیرها					
مسیرها	برآورد غیر استاندارد (B)	برآورد استاندارد (β)	خطای معیار (SE)	نسبت بحرانی (CR)	سطح معنی داری (P)
ناگویی هیجانی ← دلزدگی زناشویی	۰/۵۸	۰/۴۳	۰/۰۶۳	۴/۷۸	<۰/۰۰۱
ناگویی هیجانی ← مهارت‌های ارتباطی	-۰/۶۸	-۰/۵۱	۰/۰۲۱	-۷/۶۲	<۰/۰۰۱
مهارت‌های ارتباطی ← دلزدگی زناشویی	-۰/۷۱	-۰/۶۲	۰/۰۴۳	-۳/۰۰۱	<۰/۰۰۱

بر اساس ضرایب استاندارد ارائه شده در جدول ۳، همه مسیرهای مستقیم در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنادار هستند. ضرایب استاندارد مسیرهای ناگویی هیجانی به دلزدگی زناشویی ($\beta = ۰/۴۳$)، ناگویی هیجانی به مهارت‌های ارتباطی ($\beta = -۰/۵۱$)، و مسیر مهارت‌های ارتباطی به دلزدگی زناشویی ($\beta = -۰/۶۲$)، $p < ۰/۰۰۰۱$ است.

در پژوهش حاضر بررسی معناداری روابط غیر مستقیم متغیرها (واسطه‌ای) از طریق روش بوت استرپ ماکروپیشنهادی پریچر و هیز (۲۰۰۸) انجام شده است. برای تمامی فرضیه‌های غیر مستقیم سطح اطمینان فاصله‌ها ۹۵ درصد و تعداد نمونه گیری مجدد بوت استرپ ۵۰۰۰ انتخاب شده است. در جدول ۴ منظور از داده، اثر غیر مستقیم در نمونه اصلی و منظور از بوت، میانگین برآوردهای اثر غیر مستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است. خطای معیار نیز نشان دهنده انحراف معیار برآوردهای اثرهای غیر مستقیم در نمونه‌های بوت استرپ است.

جدول ۴. آزمون میانجی گری روابط غیر مستقیم با استفاده از روش بوت استرپ پریچر و هیز

مسیرها	داده	بوت	خطای استاندارد	حد پایین	حد بالا	سطح معناداری
ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی با نقش واسطه‌ای مهارت‌های ارتباطی	۰/۳۴۰	۰/۳۶۱	۰/۱۲۳	۰/۰۲۱	۰/۲۱۴	۰/۰۰۳

بر اساس جدول ۴ حد پایین فاصله اطمینان برای رابطه ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی از طریق مهارت‌های ارتباطی $۰/۰۲۱$ و حد بالای آن $۰/۲۱۴$ است. با توجه به اینکه صفر در داخل این فاصله اطمینان قرار می‌گیرد، رابطه غیر مستقیم ناگویی هیجانی و دلزدگی زناشویی از طریق مهارت‌های ارتباطی معنی دار است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای مهارت‌های ارتباطی در ارتباط بین ناگویی هیجانی و دزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق در شهر یزد انجام شد. نتایج نشان داد که ارتباط بین ناگویی هیجانی و دزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق معنادار است. به عبارت دیگر نتایج نشان داد هرچه ناگویی هیجانی زوجین متقاضی طلاق بالاتر باشد، دزدگی زناشویی نیز بیشتر می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های قبلی از جمله، اولسون (۲۰۱۰)، کافتسیوس (۲۰۰۴)، کاروکیوی و همکاران (۲۰۱۴)، پولنیک و همکاران (۲۰۱۷)، امید فر و همکاران (۱۳۹۵)، کیانی و همکاران (۱۳۹۵)، بشارت و گنجی (۱۳۹۱)، میری ونجفی (۱۳۹۶)، همسو است. حوزه صمیمیت زناشویی نیازمند خودافشایی و خودآگاهی است. افراد دچار ناگویی هیجانی به واسطه یکسری خصوصیات چون عدم شناسایی و بیان احساسات و سبک تفکر عینی که باعث می‌شود صرفاً شاهد رویدادها باشند و به تفسیر آن‌ها نپردازند و اساساً کاری به احساسات خود و دیگران نداشته باشند، در این حوزه دچار مشکل خواهند شد. از نظرپناهی و همکاران (۱۳۹۶)، این عامل رابطه زناشویی زوج‌ها را به شکل گسترده دچار تنیدگی و ناکارآمدی می‌کند و پیامدهای منفی بسیاری را به دنبال خواهد داشت که سرانجام آن طلاق خواهد بود.

همچنین نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین مهارت‌های ارتباطی و دزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق معنادار است. به عبارت دیگر نتایج نشان داد زوجین متقاضی طلاق که مهارت‌های ارتباطی بیشتری دارند، کمتر دچار دزدگی زناشویی می‌شوند. یافته‌های مربوط به این فرضیه با نتایج پژوهش‌های قبلی از جمله، اسپرچر و میتس (۲۰۱۵)، جکسون، والدرسون و مور (۱۹۸۰)، لزو (۲۰۱۶)، استرانز و همکاران (۲۰۱۷)، سجادی و روشن (۱۳۹۴)، بابایی گرمخانی و همکاران (۱۳۹۳)، شعری وافشارنیا (۱۳۹۶)، پناهی و همکاران (۱۳۹۶)، شمشیرگران و همائی (۱۳۹۷) همسو است. ارتباطات میان فردی، مبنای اولیه پیوند با دیگران را تشکیل می‌دهد اما در این میان، ارتباطات مؤثر که نیاز به کسب مهارت‌های لازم دارد موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت زندگی و ابزاری برای آرامش روان انسان خواهد شد. اگر هدف ازدواج آرامش دو همسر در کنار یکدیگر باشد مجهز بودن آنان به مهارت‌های ارتباطی (بینش نسبت به فرایند ارتباط، کنترل عواطف، گوش دادن، به موقع بیان کردن، با قاطعیت بیان کردن و...) باعث سازگاری و رضایت آن‌ها می‌شود و بسیاری از سوءتفاهم‌ها و تنش‌ها را که عامل دزدگی زناشویی است از بین خواهد برد.

در مجموع نتایج تحلیل مسیر نشان داد که ناگویی هیجانی از طریق تأثیری که در مهارت‌های ارتباطی دارد منجر به افزایش دزدگی زناشویی در زوجین متقاضی طلاق می‌

شود. در تبیین این نتیجه می‌توان بیان کرد که افراد دچار ناگویی هیجانی در بازشناسی، آشکارسازی، پردازش و تنظیم هیجان‌ها با دشواریهایی مواجه‌اند. "ناگویی هیجانی در کل به عنوان نقص در خودتنظیم‌گری هیجانی در نظر گرفته می‌شود" (تیلور، ۲۰۰۰). از جمله مهم‌ترین مهارت‌های ارتباطی که در تنظیم هیجان‌ها ما را یاری می‌دهد خوب گوش دادن همسران به حرف یکدیگر با هدف درک طرف مقابل است و از نشانه‌های اصلی آن در تعاملات اجتماعی استفاده از علایم کلامی (به صورت تصدیق، تحسین، انعکاس احساسات، تعبیر و تفسیرکردن و... در گفتار) است. در بین همسران وقتی هیجان‌ها مثبت و محبت‌برانگیز شود و خودتنظیمی هیجانی به شکل صحیح خود اتفاق افتد، به صمیمیت می‌انجامد و هنگامی که صمیمیت در رابطه وجود دارد، رابطه تقویت می‌شود، اما زمانی که ارتباط به صورت تدافعی، سرد و بدون احساس و خالی از صمیمیت باشد، رابطه تضعیف می‌شود و احتمال دلزدگی زناشویی بیشتر می‌شود. دلزدگی به صورت یک روند تدریجی در بین زوجین اتفاق می‌افتد و به ندرت به طور ناگهانی بروز می‌کند. که در شدیدترین نوع آن با فروپاشی رابطه (طلاق) برابر است و این موضوع آسیب‌های فردی و اجتماعی زیادی را برای جامعه در پی دارد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی ارتباط ناگویی هیجانی با سایر متغیرهای مهم زناشویی از جمله رضایت زناشویی، تعارضات زناشویی، گسستگی عاطفی، سلامت روانی و کیفیت زندگی نیز بررسی شود.

منابع

- افراسیابی، حسین؛ دهقانی دارامرود، رقیه. (۱۳۹۵). زمینه‌ها و نحوه مواجهه با طلاق عاطفی میان زنان شهر یزد. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۴(۲)، ۲۷۱-۲۵۵.
- اکبری، بهمن؛ فرگت، آزاده؛ علی‌خواه، ساناز؛ مجیدی، ملیناز. (۱۳۹۷). نقش سرمایه اجتماعی و روانشناختی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوجین. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۳۳(۳)، ۹۵-۱۱۴.
- امیدفر، حنا؛ پور ابراهیم، تقی؛ خوش‌کنش، ابوالقاسم؛ مرادی، ایوب. (۱۳۹۵). مقایسه و رابطه خودتنظیمی هیجانی با دلزدگی و صمیمیت زناشویی، در زوجین هر دو و یکی شاغل ادارات دولتی. *مشاوره شغلی و سازمانی*، ۲۶(۲)، ۶۷-۵۰.
- اولسون، دیوید. (۲۰۱۰). توانمندسازی همسران. ترجمه‌ی کامران جعفری نژاد و منصوره اردشیرزاده، تهران: انتشارات بهزیستی.

- بابایی گرمخانی، محسن؛ مدنی، یاسر؛ غلام علی لواسانی، مسعود. (۱۳۹۳). بررسی رابطه معیارهای غیرارتباطی با الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش بینی دزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق. مشاوره کاربردی، (۷)، ۸۴-۶۷.
- بشارت، محمدعلی؛ گنجی، پویا. (۱۳۹۱). نقش تعدیل‌کننده‌ی سبک‌های دلبستگی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی. اصول بهداشت روانی، ۱۴ (۵۶)، ۳۲۴-۳۲۵.
- پناهی، مریم؛ کاظمی جمارانی، شبنم؛ عنایت پور شهر بابکی، مهدیه؛ رستمی، مهدی. (۱۳۹۶). اثربخشی زوج درمانی رفتاری-تلفیقی بر کاهش دزدگی زناشویی وترس از صمیمیت زوج‌ها. روان‌شناسی کاربردی، (۴۳)، ۳۹۲-۳۷۳.
- رضایی، سارا؛ دشت بزرگی، زهرا. (۱۳۹۷). پیش‌بینی رضایتمندی زوجیت براساس ناگویی هیجانی، صمیمیت زوجین و نشاط ذهنی در مادران کودکان آهسته‌گام. توانمندسازی کودکان استثنایی، (۱)۹، ۱۲۳-۱۱۳.
- زارعی، اقبال؛ میرزایی، میترا؛ صادقی فرد، مریم. (۱۳۹۷). ارائه مدلی جهت تبیین نقش مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های حل مساله در پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی با میانجیگری تعارضات خانوادگی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، (۳۵)، ۲۶-۱.
- سجادی، سیده فائزه؛ روشن، رسول. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر بهبود نگرش به عشق و کاهش دزدگی زناشویی. پژوهش‌های مشاوره، (۵۳)، ۹۱-۱۰۱.
- شعری، سرگل؛ افشاری نیا، کریم. (۱۳۹۶). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با دزدگی زناشویی والدین کودکان دبستانی. مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۳ (۱/۱)، ۲۵-۱۵.
- شمشیرگران، مرضیه؛ همائی، رضوان. (۱۳۹۷). بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی و مولفه‌های آن با دزدگی زناشویی در کارکنان متأهل شرکت ملی حفاری استان خوزستان. رویش روان‌شناسی، (۱)۷، ۱۳۳-۱۱۱.
- علیزاده فرد، سوسن؛ خوش منش، الهام. (۱۳۹۶). مقایسه آموزش تئوری انتخاب به صورت کلاسیک و بر مبنای آموزه‌های اسلامی بر افزایش گذشت و رضایت زناشویی زنان متأهل. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، (۲۶)۷، ۱۳۸-۱۱۹.
- فتوحی، سکینه؛ مکائیلی، نیلوفر؛ عطادخت، اکبر؛ حاجلو، نادر. (۱۳۹۷). مقایسه اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر فراهیجان با زوج درمانی روایتی بر سازگاری و دلدردگی زناشویی زوجین متعارض. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، (۳۴)، ۱۰۱-۷۷.
- کیانی، احمدرضا؛ اسدی شیشه‌گران، سارا؛ اسماعیلی قاضی ولویی، فریبا؛ زوار، مجید. (۱۳۹۵). پیش‌بینی دزدگی زناشویی بر اساس ابراز‌گری هیجانی و اسنادهای زناشویی در افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی شهر اردبیل. پژوهش‌های مشاوره، (۵۹)، ۷۵-۵۸.

- مالمیر، طیبه؛ میرهاشمی، مالک؛ کاظمی حقیقی، ناصرالدین؛ باقری، نسرین. (۱۳۹۸). تدوین الگوی رضایت از زندگی براساس ویژگی‌های شخصیتی وحل مسئله اجتماعی با میانجیگری بی تابی روانی در افراد متأهل. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، (۳۳)، ۱۱۵-۱۲۷.
- مطهری، زهرا سادات؛ احمدی، خدابخش؛ بهزاد پور، سمانه؛ آموزده، فاطمه. (۱۳۹۲). اثربخشی حضور ذهن بر کاهش دلزدگی زناشویی مادران دارای فرزند مبتلا به نقص توجه. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۳(۴)، ۶۱۳-۵۹۱.
- موسوی، ولی اله؛ عاطفی، ستاره؛ رضائی، سجاد؛ پرتو، زهرا. (۱۳۹۶). مقایسه رضایت زناشویی، سازگاری و صمیمیت زناشویی در دانشجویان متأهل با وبدون استفاده از شبکه‌های تلویزیونی مستقر در خارج از کشور. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، (۲۸)، ۸۳-۱۰۰.
- میری، نسرین؛ نجفی، محمود. (۱۳۹۶). نقش صمیمیت، احساس تنهایی و ناگویی خلقی در پیش بینی رضایت زناشویی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۱(۳)، ۶۴-۷۴.
- مینوچین، سالوادور. (۲۰۰۴). خانواده و خانواده درمانی. ترجمه‌ی باقرتنبایی ذاکر (۱۳۷۳). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یوسفی، فریده. (۱۳۸۵). بررسی رابطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان با افسردگی و اضطراب در دانش آموزان مراکز راهنمایی استعدادهای درخشان. *پژوهش در حیطه کودکان استثنائی*، (۴)، ۸۹۲-۸۷۱.
- *Besharat MA. (2007). Reliability and factorial validity of Farsi version of the Toronto Alexithymia Scale with a sample of Iranian students. Psychol Rep.101, 20-209.*
- *Chang, E. S. (2016). Kirogi Women's Psychological Well-Being The Relative Contributions of Marital Quality, Mother-Child Relationship Quality, and Youth's Educational Adjustment. Jurnal of Family. pp. 133-152.*
- *David, P. (2015). Wedding the Gottman and Johnson Approaches into an Integrated Model of Couple Therapy. The family Journal, 23(4), 336-345.*
- *Jacobson, N. S. , Waldron, H. & Moor D. (1980). Toward a behavioral profile of marital distress. Journal of Counseling and Clinical Psychology, pp. 132-149.*
- *Kafetsios, K. (2004). Attachment and emotional intelligence abilities across the life course. Personality and Individual Differences, 37,129-145.*
- *Karukivi, M. , Tolvanen, M. , Karlsson, L. , Karlsson, H. (2014). Is alexithymia linked with marital satisfaction or attachment to the partner? A study in a pregnancy cohort of parents-to-be. Compr Psychiatry, 55(5):1252-1257.*

- *Lavner, J. A. , Clark, M. A. (2017). Workload and marital satisfaction over time: Testing lagged spillover and crossover effects during the newlywed year. J Vocat Behav, 101:67-76.*
- *Lavner, J. A. , Karney, B. R. , & Bradbury, T. N. (2016). Does Couples Communication Predict Marital Satisfaction, or Does Marital Satisfaction Predict Communication? Journal of Marriage and Family, 78(3), 680-694.*
- *Larson JH, Holman TB. (2014). Predictors of marital quality and stability. Fam Relat, 43, 228-37.*
- *Leszko, M. (2016). Intimacy as a mediator of the relationship between caregiver burden and marital satisfaction. Dissertation, University of Kansas.*
- *Mairal, J. B. (2015). Integrative behavioral couple therapy (IBCT) as a third-wave therapy. Psicothema, 27(1):13-18.*
- *Maneta, E. K. , Cohen, Schulz, M. S. and Waldinger, R. J. (2015). Linkages between childhood emotional abuse and marital satisfaction: the mediating role of empathic accuracy for hostile emotions. Child Abuse Negle, 44:8-17.*
- *Markman , S. S. , & Halwey, J. (2013) Type-D personality, cardiac events, and impaired quality of life: A review. European Journal of Cardiovascular Prevention and Rehabilitation, 10, 241–248.*
- *Mehrabian, A. (2000). Beyond IQ: Broad based measurement of individual success potential or emotional intelligence. Genet, Social & General Psychology Monographs, 126(2), 102-133.*
- *Pines, A. M. , & Nunse, R. (2003). The relationship between career and couple. Journal of Employment Counseling, 74 (2), 50-64 .*
- *Polenick, C. A. Zarit, S. H. , Birditt, K. S. , Bangerter, I. R. . (2017). Intergenerational support and marital satisfaction: Implications of beliefs about helping aging parents. Journal of Marriage and Family, 79(1), 131-146.*
- *Serafini, G. Gonda, X. , Pompili, M. , Rihmer, Z. , Amore, M. and Engel-Yeger, B. (2016). The relationship between sensory processing patterns, alexithymia, traumatic childhood experiences and quality of life among patients with unipolar and bipolar disorders. Child Abuse Negle, 62:39-50.*
- *Sobral, M. P. , Teixeira, C. P. , Costa, M. E. (2015). Who can give me satisfaction? Partner matching in fear of intimacy and relationship satisfaction. The Family Journal, 23(3): 247-253.*
- *Sprecher, S, & Metts, S. (2015). Romantic beliefs: Their influence on relationships and patterns of change over time. Journal of Social and Personal Relationships, 16, 834-851.*

- **Strunz, S. , Schermuck, C. , Ballerstein, S. , Ahlers, C. J, Dziobek, I. (2017). *Romantic Relationships and Relationship Satisfaction Among Adults With Asperger Syndrome and High-Functioning Autism. Journal of Clinical Psychology, 73(1): 113-125.***
- **Taylor, G. J. (2000). *Recent developments in alexithymia theory and research. Canadian Journal of Psychiatry, 45, 134-142.***
- **Tingchen, H. , li, X. (2017). *The contribution of mobile social media to social capital and psychological well-being: Examining the role of communicative use, friending and self-disclosure. Computers in Human Behavior, 75, 958-965.***